

معناشناسی عبارت ﴿وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ غرض شناسی فعل مجهول عبارت و نقد تفاسیر و ترجمه‌های متفاوت

محدثه مقیمی نژاد داورانی^{*}

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده حضرت نرجس دانشگاه ولیعصر، رفسنجان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱

چکیده

عبارت ﴿وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ در آیه ۱۶ سوره شوری از مواردی است که در تفسیر و ترجمه آن اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس این عبارت، احتجاج منکران در مورد خداوند بعد از مستجاب شدن دعوت کسی که با ضمیر «ه» از او یاد شده است، باطل است. اختلاف در تعیین مصداق منکران، تعیین فاعل استجاب و تعیین مرجع ضمیر «ه» سبب اختلاف در تفسیر و در نتیجه ترجمه‌های آیه شده است. برخی ترجمه‌ها نیز بدون تأثیر پذیری از آراء تفسیری، منتقل کننده ابهام آیه هستند. اما با استفاده از کدام قرائن می توان به تفسیر و ترجمه صحیح این عبارت دست یافت؟ در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی تفاسیر و ترجمه‌های فارسی و انگلیسی آیه، با در نظر گرفتن دلالت سیاق و سایر آیات مرتبط، به دریافت تفسیر و ترجمه صحیح آیه مبادرت شده است. ضرورت این پژوهش روشن نمودن مفهوم آیه‌ای از آیات قرآن کریم است و به لحاظ نشان دادن گستره وسیعی از بی‌توجهی به قرائن، در تفسیر و ترجمه این آیه حائز اهمیت است. نتیجه بررسی حاکی از آن است که مصداق محاجه کنندگان مشرکان یا اهل کتاب یا هر دو هستند؛ غرض از مجهول آوردن فعل «استجیب» تعمیم فاعل آن است که با توجه به قرائن، بر مصادیقی همچون مسلمین، فطرت و علمای اهل کتاب قابل حمل است و مرجع ضمیر «ه» خداوند است.

واژگان کلیدی: ابهام در ترجمه، آیه ۱۶ سوره شوری، افعال مجهول قرآن، ترجمه‌های قرآن

۱- مقدمه و بیان مسأله

اختلاف تفسیر آیات قرآن کریم ناشی از عوامل گوناگونی است. استفاده از الفاظ مشترک در آیات، حذف در کلام و تردید در محذوف، مشخص نبودن مرجع ضمیر، مشخص نبودن مواضع وقف و ابتدا، احتمال حقیقت و مجاز (زرکشی، ۲۰۰۶: ۳۵۹؛ عک، ۱۴۰۶: ۸۶) اختلاف در وجوه اعراب، اختلاف در تعیین مستثنی منه (شاکر، ۱۳۸۲: ۶۲) و اختلاف در تعیین فاعل فعل مجهول از عوامل اختلاف در تفاسیر هستند. اختلاف ترجمه‌ها نیز، در بسیاری از موارد متأثر از اختلاف تفاسیر هستند.

یکی از آیاتی که تفسیر و به تبع آن ترجمه‌های متفاوتی در مورد آن وجود دارد، آیه ۱۶ سوره شوری است. در این آیه شریفه می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ يَحْمِلُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ (شوری/ ۱۶)

اختلاف در شناخت مصداق «الَّذِينَ»؛ فاعل «استجابت» که به دلیل مجهول آمدن فعل «اسْتُجِيبَ» نامعلوم است و مرجع ضمیر «ه» در عبارت ﴿مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ سبب اختلاف در تفسیر این عبارت آیه شده است. اختلافات مذکور در تفاسیر دوره‌های مختلف از قرن چهار تا دوره حاضر قابل مشاهده است. این تفاوت دیدگاه‌ها، به ترجمه‌های آیه شریفه نیز راه یافته و در نتیجه شاهد ترجمه‌های متفاوتی از آیه هستیم. غالب ترجمه‌ها بر اساس یکی از دیدگاه‌های تفسیری نگاشته شده‌اند، در عین حال ترجمه‌های متعددی نیز هستند که فعل «اسْتُجِيبَ» را به همان صورت مجهول و بدون هیچ عبارت توضیحی منتقل کرده‌اند. برخی ترجمه‌ها نیز نشان‌دهنده ناآگاهی یا بی‌توجهی مترجمین به قواعد زبان عربی هستند.

در پژوهش حاضر با بررسی اهم تفاسیر فریقین در دوره‌های مختلف و بررسی بیش از پنجاه ترجمه فارسی دوره‌های مختلف و سیزده ترجمه انگلیسی اختلافات مذکور تبیین

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخَاجُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

شده و با توجه به سیاق آیات و کلمات و استفاده از سایر آیات قرآن کریم به دریافت تفسیر و به تبع آن ترجمه مورد قبول آیه مبادرت شده است.

اغراض بلاغی گوناگونی در مورد کاربرد فعل‌های مجهول قرآن ذکر شده است همچون تعظیم فاعل، تحقیر فاعل، مراد نبودن فاعل و تعدد فاعل (تعمیم) (محمد، ۲۰۰۶: ۵۶-۴۳) شناخت این اغراض در مورد افعال مجهول هریک از آیات، فهم دقیق تر آیات را میسر می سازد. از سویی دیگر ترجمه مطلوب ترجمه‌ای است که نقش‌های ارتباطی متمایزی را که صورت‌های دستوری به ظاهر مشابه زبان مبدأ و مقصد دارند، به خوبی منتقل کند (ر.ک: امانی، ۱۳۹۴: ۵۵). لذا در این پژوهش به شناخت غرض بلاغی کاربرد فعل مجهول «استجیب» در این عبارت و معرفی ترجمه‌هایی که این غرض را منتقل کرده‌اند، پرداخته شده است و در پایان ترجمه پیشنهادی مؤلف ارائه گردیده است.

۱-۱- پرسش‌های تحقیق

۱- مفسرین و مترجمین در تفسیر و ترجمه عبارت ﴿الَّذِينَ يَخَاجُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ چه اختلافاتی دارند؟

۲- با استفاده از کدام قرائن تفسیری می توان به تفسیر و ترجمه قابل قبول این عبارت دست یافت؟

۳- چه غرضی از کاربرد فعل مجهول در این عبارت وجود دارد و این غرض چه تأثیری در ترجمه مطلوب عبارت مورد بحث دارد؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

بیان اختلاف ترجمه‌های آیه ۱۶ سوره شوری و ارتباط این اختلاف با اختلاف تفاسیر و ترجیح برخی ترجمه‌های آن بر برخی دیگر، پژوهشی نوین است. اما گزارش اختلاف در تفسیر این آیه در تفاسیر دوره‌های گوناگون همچون تفسیر ماتریدی (قرن ۴) (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج: ۹، ۱۱۵)، مجمع البیان (قرن ۶) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۹، ۴۰) الجامع لاحکام القرآن (قرن

۷) (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۴) البحر المحيط فی التفسیر (قرن ۸) (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۳۰) زیادة التفاسیر (قرن ۱۰) (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۲۱۰) کنز الدقائق (قرن ۱۲) (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۲۹۵) تفسیر القرآن الکریم (قرن ۱۳) (شبر، ۱۲۴۲، ج ۱: ۴۵۴) المیزان (قرن ۱۴) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۶) و نمونه (قرن ۱۴) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۳۹۱) آمده است. در تفاسیر المیزان و نمونه شاهد نقد برخی از تفسیرهای نقل شده هستیم؛ اما شاهد نقد و بررسی جامعی در مورد همه احتمالات تفسیری نیستیم. پژوهش حاضر متکفل این مهم است.

آثار متعددی در مورد بررسی اغراض بلاغی کاربرد فعل‌های مجهول در زبان عربی یا خصوص قرآن کریم نگاشته شده است. از آن جمله می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد: «المبنى للمجهول و تراکیبه و دلالتہ فی القرآن العظیم» دکتر شرف الدین راجحی، دارالمعرفة الجامعية، ۱۹۹۹.

«سر بلاغی حذف فاعل در فعل مجهول» سید رضا نجفی، نشریه بینات، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۱.

«الفعل المبني للمجهول فی اللغة العربیة (اهمیتہ - مصطلحاتہ - اغراضہ)» دکتر عبدالفتاح محمد مجله جامعه دمشق. جلد ۲۲. عدد ۲+۱، (۲۰۰۶).

«صور جمال در ساختار جمله‌های مجهول قرآن» دکتر سید بابک فرزانه، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۱۶، ش ۴۷، ۱۳۸۹.

«زبان شناسی فعل مجهول، دانشی برای تصویرگری صحنه‌های غیبی قرآن کریم» سید ابوالفضل سجادی، حسین احمدی، زهره نادری؛ پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال دوم، ش دوم، ۱۳۹۳.

پایان نامه بررسی فعل مجهول و موارد کاربرد آن در قرآن کریم. علی اکبر کرمی. به راهنمایی محمد علی سلمانی، دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه یزد، ۱۳۹۳.

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

«واکاوی زوایای مختلف فعل مجهول در قرآن کریم (بررسی موردی سوره مبارکه بقره)» محمد قربان کیانی، حسین احمدی امویی، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال چهارم، شماره هفتم. بهار و تابستان ۱۳۹۸.

در آثار فوق سخنی در مورد غرض مجهول آمدن فعل «استجیب» در آیه ۱۶ سوره شوری نیامده است و پژوهش حاضر عهده‌دار بیان آن است.

۲- گذری بر مفردات عبارت ﴿وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ﴾

محاجّه: به معنی آن است که هر کسی تلاش کند برهان و دلیل دیگری را رد نماید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۹). گاهی نیز به معنی مخاصمه و مجادله که لازمه محاجّه است، به کار رفته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹).

استجاب: برخی از لغویان استجابة و اجابة را به یک معنی دانسته‌اند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۰). ابوهلال عسکری در توضیح این مشابهت معنایی می‌نویسد: «استجابت به معنی اجابت است؛ چرا که معنای این دو به یک چیز برمی‌گردد. استجابت قصد جواب دادن به خواهنده است و اجابت این است که عملاً پاسخ خواهنده را بدهی» (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۱۷). البته در یکی از کتاب‌های لغت در مورد تفاوت این دو کلمه آمده است: اجابت عام است و استجابت خاص عطای همان چیزی است که خواسته شده است (مدنی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۳۷۱).

۳- بررسی مصداق ﴿الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ﴾

به طور کلی سه احتمال در مورد مصداق ﴿الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ﴾ داده شده است:

۱- اهل کتاب

۲- مشرکین

۳- مسلمین

۳-۱- تطابق «الذین» بر اهل کتاب

در روایات صحابه و تابعان آمده است که مراد از ﴿الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ﴾ اهل کتاب است. ابن عباس گفته است: «مراد اهل کتاب است که با مسلمین مجادله می‌کردند و آن‌ها را از هدایت باز می‌داشتند بعد از این که خدا را اجابت کرده بودند» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵: ۱۳). قتاده گفته است: «مراد یهود و نصاری هستند که بر برتری دین خود احتجاج می‌کردند و می‌گفتند: کتاب ما قبل از کتاب شما نازل شده، و پیغمبر ما قبل از پیغمبر شما بوده، پس دین ما از دین شما بهتر است» (طبری، همانجا؛ نیز رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹). فخر رازی محتوای محاجّه آن‌ها را این گونه گزارش کرده است: «شما که مدعی وحدت هستید، بیائید آئین موسی علیه السلام را که مورد قبول طرفین است، بپذیرید» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۹۰).

قرآن کریم این دعوت را این گونه گزارش کرده است: ﴿وَقَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا﴾ «و گفتند: یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت شوید» (بقره / ۱۳۵). برخی از مفسرین قرون بعد، به این دیدگاه تصریح کرده‌اند. قرن ۵ (ماوردی، بی‌تا، ج ۵: ۲۰۰)، قرن ۶ (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۵۹۰)، قرن ۸ (جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۸)، قرن ۱۵ (سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۹۰).

اما در تفسیر نمونه در نقد این دیدگاه آمده است: «بعید است که روی سخن در این آیات با یهود و اهل کتاب باشد چرا که "م حاجه درباره الله" بیشتر متناسب با مشرکان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۳۹۱).

۳-۲- تطابق «الذین» بر مشرکین

برخی از مفسران مراد از احتجاج‌کنندگان در این آیه را مشرکان دانسته‌اند. ماتریدی (قرن ۴) این قول را در کنار قول به این که مراد اهل کتاب باشند، آورده است. وی می‌نویسد: «برخی می‌گویند کفار به مؤمنین گفتند تا زمانی که محمد در بین شماست و زنده است، دین شما اسلام است. اما هنگامی که بمیرد، شما و مسلمین به دین ما برمی‌گردید یا کلامی

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

از این قبیل. لذا به دلیل سخن آن‌ها این آیه نازل شد» (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹: ۱۱۵). همچنین می‌نویسد: «بعضی‌ها گفته اند قریش گفتند چگونه کسی را بپرستیم که ندیده‌ایم؟ و نمی‌دانیم از چه و چگونه است یا کلامی از این قبیل. لذا آیه ﴿وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً﴾ نازل شد؛ چرا که توحید و معرفت خداوند با دلایل و آیات است نه با مشاهده که امتحان از بین برود» (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹: ۱۱۶).

در روایتی در درالمشور (قرن ۱۰) نیز مراد مشرکین دانسته شده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۴). همچنین در مورد این قول (رک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۴) مفسر قرن هفتم، ابن عاشور (قرن ۱۴) نیز معتقد است مراد از این آیه مشرکین هستند؛ چرا که آن‌ها بودند که در مورد یگانگی خداوند محاجه می‌کردند (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۵: ۱۳۱-۱۳۲). در تفسیر نمونه هم همین نظر تأیید شده است و گفته شده این مشرکین بودند که برای شرک خود دلایل پوسیده‌ای از جمله شفاعت بت‌ها و یا پیروی از آئین نیاکانشان می‌آوردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۹۱).

۳-۳- تطابق «الذین» بر مسلمین

این تفسیر، تفسیر شاذی است که مؤلف تنها در تفسیر «مخزن العرفان در علوم قرآن» با آن مواجه گردید. در این تفسیر آمده است: «شاید مقصود کسانی باشند که پس از آن‌که حجت بر آنان تمام شده و دعوت رسول را اجابت نمودند، در آنچه راجع به احکام مطابق میل آن‌ها نبود در دین خدا نزاع و مجادله می‌نمودند» (امین، بی تا، ج ۱: ۳۶۵).

۳-۴- ارزیابی مصداق «الذین» با توجه به سیاق و سایر آیات

برای آن که بدانیم مراد از این محاجه‌کنندگان چه کسانی هستند، لازم است سیاق آیات را در نظر بگیریم. آیات ۱۶-۱۳ در یک سیاق قرار دارند.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ (شوری/ ۱۳)

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْهُ مُرِيبٌ﴾ (شوری/ ۱۴)

﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (شوری/ ۱۵)

دلیل هم سیاق دانستن این آیات، ارتباط لفظی آن‌ها با یکدیگر است که نشان‌دهنده نزول واحد این فقره آیات است. نشانه ارتباط لفظی، حروف ربط ابتدای آیات دوم و سوم است (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰: ۱۱۱). آیه ۱۳ مربوط به حق‌ناپذیری مشرکین است. آیه ۱۴ مربوط به تفرقه اهل کتاب و تردید آن‌ها در مورد کتاب آسمانی‌شان است.

در آیه ۱۵ رسول خدا خطاب به گروهی از مردم، خود را مأمور به برقراری عدالت بین آن‌ها معرفی کرده‌اند و اعلام کرده‌اند: این کلام، کلام صوابی است؛ چرا که در دو آیه قبل هم به حق‌ناپذیری اهل کتاب اشاره شده و هم مشرکین. بر همین اساس باید گفت در آیه مورد بحث - یعنی آیه ۱۶ - نیز مراد از احتجاج کنندگان ممکن است، اهل کتاب باشند یا مشرکین و یا هر دو گروه.

این نکته قابل ذکر است که با آن که سوره شوری از سور مکی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۳)، در آن از اختلافات و احتجاجات اهل کتاب سخن به میان آمده، چرا که علی- رغم قول مشهور، اهل کتاب در مکه نیز حضور پررنگ داشته و آیات متعددی در شأن آنان نازل شده است (ر.ک به احمد نژاد، ۱۳۹۶: صص ۳۸-۱۹).

این گفته که: «مواجهه درباره الله» بیشتر متناسب با مشرکان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۹۱). و یا این گفته که: «مشرکین بودند که در مورد یگانگی خداوند مواجهه می‌کردند و نه اهل کتاب» (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۵: ۱۳۱، ۱۳۲)، قابل نقد است؛ چرا که در مواضع متعددی از قرآن کریم اعتقادات و گفته‌های شرک آمیز به اهل کتاب نسبت داده شده

معناشناسی عبارت (وَ الَّذِينَ يَحْجُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

است. اعتقاد به الوهیت حضرت مریم و حضرت مسیح علیهما السلام (مائده/ ۱۱۶، ۷۲، ۱۷) قول به تثلیث (مائده/ ۷۳)، قول به این که حضرت عیسی علیه السلام فرزند خداوند است (توبه/ ۳۰) از عقاید و سخنان شرک آمیز مسیحیان است. همچنین قول به این که حضرت عزیر پسر خداست، از عقاید شرک آمیز یهود است. (توبه/ ۳۰) قول به این که یهودیان و مسیحیان پسران خداوند هستند، از عقاید شرک آمیز هر دوی این فرقه‌هاست (مائده/ ۱۸). از آیه ۶۱ سوره آل عمران این گونه استنباط می‌شود که مسیحیان در مورد عقاید غلوآمیز خود در مورد حضرت عیسی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محاجّه می‌کردند. ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ﴾ از آیه ۱۳۹ سوره بقره نیز فهمیده می‌شود که یهود و نصارا در مورد خداوند با مسلمین محاجّه می‌کردند.

﴿قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ﴾ «بگو: آیا درباره خدا با ما بحث و گفتگو می‌کنید؟ با آن که او پروردگار ما و پروردگار شماست» لذا محاجّه در مورد خداوند خاصّ مشرکین نبوده است و دلیلی نداریم که این آیه را خاصّ آنان در نظر بگیریم.

علاوه بر محاجّه اهل کتاب در مورد خداوند، بر اساس ادله‌ای که پیش‌تر گذشت، اهل کتاب در مورد دین خداوند هم با مسلمین محاجّه می‌کردند، برخی از آن‌ها با برتر دانستن دین خود تلاش می‌کردند مسلمین را هم کیش خود نمایند (بقره/ ۱۳۵). لذا می‌توان احتمال داد منظور از ﴿يَحَاجُّونَ فِي اللَّهِ﴾ «یحاجّون فی دین الله» باشد (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۹۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۲۱۰). یا محاجّه در مورد دین هم داخل در مفهوم آیه باشد.

با توجه به آن چه ذکر شد، هر دو احتمال که مصداق آیه اهل کتاب یا مشرکین باشند محتمل است. همچنین ممکن است هر دوی این گروه‌ها توأمان مصداق آیه شریفه باشند. اما این احتمال که مصداق «الذین» مسلمین باشند، با سیاق آیه ناسازگار است؛ چرا که آیات هم سیاق در مذمت کفار و مشرکین نازل شده اند نه مسلمین.

۴- مراد از (مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ) ﴿۱۶﴾

در مورد فاعل «استجابت» مصادیق متعددی ذکر شده که عبارتند از: خداوند، فطرت، اهل کتاب و مؤمنین جامعه. در مورد مرجع ضمیر «ه» نیز، خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دین اسلام اقوال گوناگونی هستند که ذکر شده است. ذیلاً با این اقوال آشنا می‌شویم.

۴-۱- اجابت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط اهل کتاب

برخی عبارت ﴿مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ را اشاره به پذیرش اهل کتاب نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. در این صورت، فاعل محذوف استجابت اهل کتاب و مرجع ضمیر «ه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهند بود و آیه به این گونه معنا می‌شود: اهل کتابی که بعد از پذیرش اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله، از ایشان روی برگرداندند و علیه ایشان احتجاج کردند، مشمول غضب الهی خواهند بود.

ماتریدی (قرن ۴) این قول را به صورت احتمال مطرح نموده است و می‌نویسد: «ممکن است آیه ﴿مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ اشاره به آن چه در کتاب‌های آنان وارد شده، داشته باشد. ایمان به خدا و صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۹: ۱۱۶).

طبرسی (قرن ۶) که خود دیدگاه دیگری در تفسیر آیه دارد، در مورد این احتمال می‌نویسد: «گفته شده مراد این است که آنان قبل از بعثت به او اقرار داشتند وقتی مبعوث شد او را انکار کردند» ﴿وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (بقره/ ۸۹) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۰). در برخی تفاسیر دیگر نیز به این قول اشاره شده است، اما نه به عنوان دیدگاه مفسر (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۴۹۵) قرن ۱۲ و (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۶) قرن ۱۴.

آن طور که پیداست این قول در دوره‌های مختلف کمابیش در کتب تفسیری مطرح شده است، اما به صورت احتمال و یا نقل قول مجهول و نه به عنوان دیدگاه مفسرین. علامه طباطبایی این معنا را از سیاق دور دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۶). در تفسیر نمونه در نقد این تفسیر آمده است: «با لحن آیه موافق نیست، زیرا باید گفته شود: "من بعد استجابوا له" (بعد از آن که دعوت او را اجابت کردند) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۹۱).

به عبارت دیگر بر اساس این معنا فاعل فعل استجاب همان مصداق الذین است و مجهول آمدن فعل وجهی ندارد.

این نقد، قابل پذیرش است. نقد دیگری که بر این تفسیر وارد است، آن است که مرجع ضمیر «ه» در عبارت ﴿وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ﴾ را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته است؛ در حالیکه در این آیه نامی از ایشان برده نشده است و بر اساس این قاعده که ضمیر به نزدیکترین مرجع خود بازمی‌گردد، باید گفت مرجع خداوند متعال است.

۴-۲- مستجاب شدن دعای پیامبر صلی الله علیه و آله توسط خداوند

برخی مراد از عبارت مذکور را اجابت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در مواضع گوناگون دانسته‌اند. در این صورت فاعل محذوف این عبارت، خداوند است و ضمیر «ه» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برمی‌گردد و آیه به این شکل معنا می‌شود: کسانی که در مورد خداوند احتجاج می‌کنند، بعد از این که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله مورد اجابت خداوند قرار گرفت، حجتشان باطل است.

شیخ طوسی (قرن ۵)، به نقل از جبائی (قرن ۳) می‌نویسد: «خداوند متعال دعای پیامبرش صلی الله علیه و آله را در مورد کفار بدر مستجاب کرد و آن‌ها را به دست مسلمین به قتل رساند، و دعای ایشان را علیه آن کفار در مکه و همچنین علیه مضر با قحطی و شدائدی که بر آن‌ها وارد شد، مستجاب کرد و همچنین دعای ایشان را در مورد نجات

مستضعفین از دست قریش اجابت کرد و غیر از این موارد که تعدادشان زیاد است» (طوسی، بی تا، ج ۹: ۱۵۴؛ ر.ک: قشیری، ۲۰۰۰، ج ۳: ۳۴۷).

طبرسی (قرن ۶) نیز همین قول را به صورت نقل قول مجهول مطرح کرده و دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اظهار و اقامه معجزات را بر آن می افزاید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۰). برخی مفسرین دوره های بعد، این معنا را به صورت احتمال یا نقل قول مجهول مطرح کرده اند که مراد، اجابت دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نابودی مخالفان در جنگ بدر است. قرن ۷ (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۴)، قرن ۸ (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۳۰)، قرن ۱۰ (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۲۱۰)، قرن ۱۲ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۲۹۵)، قرن ۱۳ (شبر، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۵۴).

علامه طباطبایی این معنی را از سیاق بعید می شمرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۶). در نقد این تفسیر که مراد آیه استجابت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای نابودی مشرکان در جنگ بدر باشد، در تفسیر نمونه آمده است: «در این صورت مراد آیه ایجاب می کند که این آیات بعد از غزوه بدر نازل شده باشد، در حالی که دلیل روشنی بر این امر در دست نیست و به نظر می رسد که همه این آیات در مکه نازل شده باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۳۹۱).

اشکال مهم دیگری که این تفسیر دارد آن است که در این صورت نیز مرجع ضمیر «ه» پیامبر اکرم صلی الله خواهند بود در حالیکه در این عبارت نامی از ایشان نیامده است و بر اساس قاعده، ضمیر باید به نزدیکترین مرجع خود بازگردد که خداوند متعال است.

۴-۳- اجابت دعوت خداوند با فطرت الهی

برخی مراد از عبارت مورد بحث را اجابت دعوت خداوند توسط فطرت الهی می دانند. بر اساس این قول، فاعل محذوف استجابت، فطرت الهی است که در همه انسان ها مشترک است و همه حتی خود منکرین بر اساس این فطرت به ربوبیت خداوند اقرار کرده اند و

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخْشَوْنَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

مرجع ضمیر «ه» خداوند است. بر این اساس هر کس به فطرت الهی خود پشت کند و علیرغم پذیرش فطرت راه انکار و عناد در پیش گیرد، مستوجب عقاب الهی خواهد بود. در برخی از تفاسیر از استجاب فطرت، به صورت اجابت نمودن خداوند در روز میثاق تعبیر شده است. قرن ۴ (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۷۷) و قرن ۱۰ (کاشانی، ۱۳۱۴، ج ۸: ۲۱۱) در تفسیر منهج الصادقین تصریح به این معنا شده که خود منکرین در روز میثاق بر ربوبیت خداوند اذعان نموده اند (همان).

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يَخْشَوْنَ فِي اللَّهِ﴾ آن‌ها که درباره خدا، چه درباره معرفت خدا، چه درباره توحید، چه درباره انزال کتاب و ارسال رسول، چه درباره مرجعیت - یعنی بودن معاد - محاجه دارند، بعد از آن‌که فطرت بر خلاف حرف‌های آن‌ها فتوا می‌دهد، عقل بر خلاف حرف‌های آن‌ها فتوا می‌دهد و موطن اخذ میثاق بر خلاف حرف‌های آن‌ها فتوا می‌دهد، حجت آن‌ها فرو ریخته و ریزش کرده است: ﴿حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (جوادی آملی، ۹۴/۳/۱۲).

روز یا موطن میثاق اشاره به پیمان فطرت دارد. در آیه ۱۷۲ سوره مبارکه اعراف، در مورد این پیمان و اقرار بشر به ربوبیت پروردگارش چنین آمده است. ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف / ۱۷۲) در تفسیر آیه فوق که به آیه ذر معروف است، نظرات متفاوتی وارد شده که دو نظر، مهم‌تر است:

- ۱- خداوند در ابتدای آفرینش آدم ابوالبشر همه ذریه او را به صورت ذراتی که دارای عقل و شعور بودند خارج ساخت و در مورد ربوبیت خود از آنان اقرار گرفت.
- ۲- هنگام خروج هر نطفه‌ای از صلب پدر به رحم مادر، خداوند استعداد درک توحید را در فطرت و عقل او به ودیعه می‌گذارد. بر این اساس، سؤال و جواب مذکور در آیه جنبه تکوینی دارد (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۶).

آیه مذکور با هر تفسیری، دلالت بر پاسخ مثبت بشر به دعوت پروردگارش دارد، حال، چه به صورت تشریعی و چه تکوینی. مفسرین این گروه با استناد به آیه ذرّ معتقدند مفهوم آیه ۱۶ سوره شوری این است که منکرین خود با فطرت خود بر ربوبیت خداوند گواهی داده‌اند. لذا احتجاج در مورد خدا بعد از این استجابت مفهومی ندارد.

اما آیا مراد از استجابت- در آیه ۱۶ سوره شوری- می‌تواند همین پاسخ مثبت باشد؟ باید گفت این معنا با سیاق درونی آیه ناسازگار است؛ زیرا مطابق این تفسیر لازم است در آیه آمده باشد "من بعد استجابوا له" نه "(من بعد ما استجب له)؛ چرا که افراد منکر چیزی هستند که فطرت خودشان آن را صحیح دانسته است. به عبارت دیگر اگر فاعل استجابت و مصداق الذین یک چیز باشند، مجهول آوردن فعل وجهی ندارد.

۴-۴- اعتراض مسلمین به برخی احکام بعد از اجابت دعوت پیامبر

بر اساس تفسیر شاذی از این آیه، مصداق «الذین» مسلمین هستند و فاعل استجابت نیز آنان هستند و مرجع ضمیر «ه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. البته در این تفسیر مجادله در مورد خداوند، به مجادله در مورد احکام دین او معنا شده است (امین، بی تا، ج ۱۱: ۳۶۵). بر اساس این تفسیر معنای آیه چنین است: مسلمینی که بعد از پذیرش دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد احکام دین خدا مجادله می‌کنند، مشمول غضب خداوند خواهند بود.

با توجه به مطالب پیشین، «مسلمین» نمی‌توانند مصداق «الذین» باشند. بازگشت ضمیر «ه» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یکی بودن مصداق «الذین» و فاعل استجابت نیز امکان پذیر نیست. لذا این تفسیر قابل پذیرش نیست. اشکال دیگری که بر این تفسیر وارد است، در تقدیر گرفتن احکام دین است که در ظاهر آیه نیامده است؛ در حالی که اصل بر عدم تقدیر است.

۴-۵- اجابت دعوت خداوند توسط مردم مسلمان

بسیاری از مفسرین، مراد از این عبارت را اجابت دعوت خداوند توسط مردم مسلمان و داخل شدن آنان در دین دانسته‌اند.

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

به عنوان نمونه، قرن ۴ (نَحَّاس، ۱۴۲۱، ج ۴: ۵۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵: ۱۳)، قرن ۵ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۳۰۷)، قرن ۶ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۱۴۲)، قرن ۷ (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۴)، قرن ۸ (خازن، ۱۴۱۵، ج ۴: ۹۶)، قرن ۱۴ (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۵: ۳۱۵۰)؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۳۹۱).

در این صورت فاعل محذوف، مسلمین جامعه هستند و ضمیر «ه» در «له» به خداوند متعال برمی گردد. با در نظر گرفتن آن چه که در مورد مصداق «الذین» گفته شد، بر اساس این احتمال معنای آیه چنین است: کفار و اهل کتابی که بعد از پذیرش دعوت خداوند توسط مسلمین در مورد خداوند یا دین او مجادله می کنند، حجتشان نزد پروردگار باطل است و عذاب سختی خواهند داشت. این دیدگاه، دیدگاه رایج اکثر مفسرین در دوره های مختلف است.

به لحاظ نحوی اشکالی بر این تفسیر وارد نیست؛ اما در صورت صحت آن، این سؤال مطرح می شود که مگر استجابت دعوت الهی توسط جمعی از مردم، حجتی برای سایرین است؟ مگر در زمینه اعتقادات هر کسی نباید مستقلاً به نتیجه برسد؟ در پاسخ به این سؤال چند احتمال را می توان مطرح کرد:

- ۱- در این جا مصداق آیه کسانی هستند که تلاش دارند جامعه هدایت یافته را با شبهه-افکنی منحرف نمایند. این ها هستند که حجتشان باطل است و عذابی سخت در انتظارشان است. بر اساس آیه ۱۳۵ سوره بقره که پیش از این گذشت، گروهی از اهل کتاب به مسلمین توصیه می کردند به دین آنان در آیند. همچنین بر اساس روایت ابن عباس ذیل ۱۶ سوره شوری که پیش از این گذشت، اهل کتاب تلاش در انحراف مسلمین داشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵: ۱۳). بر اساس این معنا منکرین دعوت به ایمان نشده اند، بلکه از ایجاد انحراف در افکار مسلمین نهی شده اند. با توجه به قرائن تفسیری مذکور، این احتمال قوی تر است.
- ۲- ایمان گروهی از مردم جامعه، حجت را بر سایر افراد آن جامعه تمام می کند؛ چرا که سایرین نیز می توانند از همان راهی که اینان ایمان آورده اند، ایمان بیاورند. کسانی که به

جای توجّه به دلایل پذیرش حقّ که در دسترس آنان است، بر عقاید باطل خود پافشاری می‌کنند، حجتشان باطل است و عذاب دردناکی در انتظارشان است.

۳- ممکن است هر دوی این موارد در آیه جمع باشند.

در بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری، تفسیر فوق قابل پذیرش است که دیدگاه رایج بین مفسّرین از ابتدا تا عصر حاضر است؛ چرا که از سویی از اشکالات متعدّدی که بر سایر دیدگاه‌ها وارد است، مبرّا است و از سویی مؤیداتی از قرآن و روایت دارد که حکایت از تلاش غیر مسلمین در انحراف مسلمین می‌کنند.

۴-۶- اجابت دعوت خدا توسط فطرت منکرین و مسلمین

علامه طباطبایی معتقدند فاعل استجابت فطرت الهی است. البته ایشان اشاره ای به روز میثاق ندارند، بلکه ضمن استناد به آیاتی که فطرت بشر را آگاه از حق و باطل می‌شمرد (انعام: ۳۶، روم: ۳۰، شمس: ۸)، در بیان معنای آیه می‌نویسند: «کسانی که در مورد خدای تعالی و یا دین او احتجاج می‌کنند و می‌خواهند بعد از آن‌که فطرت سالم آن را پذیرفته و یا بعد از آن‌که مردم به فطرت سالم خود آن را پذیرفته‌اند، خدا را نفی و یا دین او را باطل سازند، حجتشان نزد پروردگارشان باطل و زایل است و غضبی از خدا برایشان وارد خواهد شد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۳۶).

تفاوت دیدگاه ایشان با دیدگاه مفسّرینی که «اجابت دعوت خداوند توسط فطرت الهی» را مطرح کرده‌اند، در افزودن این عبارت است: «بعد از آنکه مردم به فطرت سالم خود آن را پذیرفته‌اند.» عبارت مذکور که بر اساس معنای «اجابت کردن دعوت خداوند توسط مردم مسلمان» بیان شده‌است، موجب شده که دیدگاه ایشان کامل‌ترین دیدگاه موجود باشد. توضیح آن که اغراض بلاغی متفاوتی در مورد کاربرد افعال مجهول در قرآن ذکر شده است: ایجاز، جهل به فاعل، رعایت سجع، مراد نبودن فاعل، علم به فاعل، تعظیم فاعل، تحقیر فاعل و تعدّد فاعل (تعمیم) (محمد، ۲۰۰۶: ۵۶-۴۳).

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

با تأمل مؤلف در مورد این اغراض، روشن گردید تعمیم مناسب ترین غرضی است که می‌توان در مورد کاربرد فعل مجهول «استجیب» در این آیه ذکر نمود؛ چرا که مصادیق مختلفی با تکیه بر ادله مختلف برای فاعل استجابت ذکر شده‌است که هر کدام در جای خود صحیح است.

آیه و روایتی که حکایت از تلاش غیر مسلمین در انحراف مسلمین می‌کنند، دلالت بر این دارند که فاعل استجابت مسلمین هستند. اما بر اساس آیه ذرّ (اعراف / ۱۷۲) که پیش از این گذشت، می‌توان فاعل آیه را فطرت خود منکرین دانست. جمع این دو احتمال با هم اشکالی را که بر معنای «اجابت کردن دعوت خداوند توسط فطرت الهی» وارد بود، برطرف می‌سازد؛ چرا که وقتی فطرت مسلمین و منکرین به صورت توأمان فاعل فعل «استجیب» باشد، مصداق الذین و فاعل «استجیب» دو چیز خواهند بود و لذا آمدن فعل به صورت «استجابوا» وجهی ندارد و طبیعی است که فعل به صورت مجهول آمده باشد.

۵- نقد و بررسی ترجمه‌های عبارت ﴿وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ﴾

له

در این قسمت ترجمه‌های موجود از آیه ۱۶ سوره شوری، در سه قسمت بررسی می‌شود. ترجمه‌های نشان‌دهنده فهم خاص از آیه، ترجمه‌های انتقال‌دهنده ابهام موجود در آیه و ترجمه‌های ناصحیح. سپس پیشنهاد مؤلف در مورد ترجمه قابل قبول ذکر می‌شود.

۵-۱- ترجمه‌های نشان‌دهنده فهم خاص از آیه

۵-۱-۱- ترجمه بر اساس معنای اجابت کردن دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط اهل کتاب

«و یهود و نصاری که درباره دین خدا با پیامبر و سایر مسلمانان مخاصمه و مجادله می‌کنند، چون قبل از بعثت محمد پیامبری او را بر حسب اقرار تورات و انجیل، پذیرفته‌اند، انکار آنان پس از بعثت پذیرفته نیست (انکار بعد از اقرار مسموع نیست) بنابراین حجت آنان بنزد پروردگارشان محکوم به بطلان است» (ترجمه حجة التفاسیر).

«و کسانی که پس از قبول دعوت پیامبر، در امر دین خدا مجادله و مخاصمه می‌کنند، دلیل و حجت آنان، نزد پروردگارشان قابل قبول نیست و مورد خشم خدا قرار می‌گیرند» (ترجمه کاویانپور).

پیش از این با غیر قابل پذیرش بودن این دیدگاه تفسیری آشنا شدیم. لذا ترجمه‌های مبتنی بر آن نیز ترجمه‌های قابل پذیرشی نیستند. محتمل است ترجمه اخیر بازتابی از احتمال چهارم در تفسیر آیه باشد. یعنی مراد مسلمینی باشند که بعد از اجابت دعوت پیامبر در مورد احکام دین خدا مجادله می‌کردند. ترجمه‌های ناظر به این معنا بعد از این خواهد آمد.

۵-۱-۲- ترجمه بر اساس معنای اجابت خداوند توسط فطرت خود منکرین

«و آنان که در باره خدا- یا دین او- پس از آنکه دعوت او اجابت شده است- یعنی به فطرت خودشان- گفت‌وگو و ستیزه می‌کنند حجتشان نزد پروردگارشان تباه و ناپیچ است و بر آن‌هاست خشمی [از خداوند] و آنان راست عذابی سخت» (ترجمه مجتبی).

«و کسانی که درباره ربوبیت خدا، پس از آن‌که از سوی فطرت سلیم پذیرفته شد، به محاجّه می‌پردازند تا سرانجام آن را انکار کنند، حجتشان نزد خدا تباه است و بر آنان از جانب خدا خشمی خواهد بود و عذابی سخت خواهند داشت» (ترجمه صفوی).

با نقد این تفسیر آشنا شدیم، به تبع ترجمه‌های مبتنی بر آن نیز قابل پذیرش نیستند.

۵-۱-۳- ترجمه بر اساس معنای احتجاج ایمان آورندگان به خداوند در مورد او بعد از پذیرش دین

دیدیم که یکی از اقوال تفسیری در مورد این آیه آن است که مؤمنین به پیامبر بعد از ایمان به ایشان در مورد احکام دین مجادله می‌کردند. ترجمه‌هایی که در این قسمت ذکر می‌شود به این احتمال تفسیری نزدیکند با این تفاوت که در اکثر آن‌ها به جای مجادله در مورد دین،

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... _____ محدثه مقیمی نژاد داورانی

مجادله در مورد خداوند ذکر شده است. علی القاعده در مقام مقایسه کلام مترجمین صحیح تر به نظر می رسد؛ زیرا در آیه «اللَّهُ» آمده نه «دین الله».

به ترجمه های ذیل دقت کنید:

و کسانی که درباره خدا پس از اجابت [دعوت] او به مجادله می پردازند، حجتشان پیش پروردگارشان باطل است، و خشمی [از خدا] برایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود. (فولادوند)

و کسانی که درباره خدا جدال می کنند، پس از آنکه دعوت او را اجابت کرده اند، نزد پروردگارشان حجتشان ناچیز است. بر آن هاست خشم خدا و بر آن هاست عذابی سخت. (آیتی)

و کسانی که در باره [دین] خدا، از آن پس که آن را پذیرفته اند، محاجه می کنند حجتشان بنزد پروردگارشان بیهوده است، غضبی بر آن هاست و عذابی سخت دارند (پاینده)

ترجمه های ذیل نیز بر اساس همین معنا شکل گرفته اند. آدینه وند، پورجوادی، صلواتی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه تفسیر رهنما، ترجمه تفسیر روض الجنان، ترجمه تفسیر کاشف، ترجمه طبری و ترجمه تفسیر کشف الاسرار.

آن طور که مشهود است، بسیاری از ترجمه ها بر مبنای این معنا شکل گرفته اند؛ اما به دلایل پیش گفته، این تفسیر و ترجمه های مبتنی بر آن قابل پذیرش نیستند.

لازم به ذکر است بر اساس دیدگاه برخی از زبان شناسان، ساخت هایی که در آن ها فعل به صورت سوم شخص جمع آمده و فاعل نیز ذکر نشده است، مجهول هستند. مثل جمله «علی را کشتند» (زرکوب، ۱۳۹۱: ۹۹).

بر این اساس محتمل است برخی از مترجمین این گروه، در ترجمه این آیه همین کاربرد را مد نظر داشته اند. اما باید توجه داشت قرار گرفتن اسم موصول «الذین» در ابتدای آیه، سبب می شود که فاعل فعل جمع همین کلمه دانسته شود و در نتیجه این قبیل ترجمه ها رساننده مفهوم فعل مجهول نباشد.

۵-۱-۴- ترجمه بر اساس معنای اجابت کردن دعوت خداوند توسط مردم مسلمان

برخی از ترجمه‌های آیه بر اساس این تفسیر است که مصداق «الذین» کفار یا اهل کتاب هستند و مراد از عبارت «مَنْ بَعْدَ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ» اجابت کردن دعوت خداوند توسط مردم مسلمان است. دیدیم که این دیدگاه، دیدگاه رایج بین مفسرین است.

به نمونه‌هایی از این نوع ترجمه دقت کنید:

«کسانی که درباره خدا پس از آنکه دعوتش [از سوی مردم منصف با تکیه بر عقل و فطرت] اجابت شده مجادله و ستیزه می‌کنند، دلیلشان [بر ضد حقایق] نزد پروردگارشان باطل است و از سوی خدا خشمی بر آنان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود» (انصاریان).

«کسانی که درباره (دین) خدا به مخاصمه و مجادله می‌پردازند و (علیه آن) دلیل و برهان (بی‌اساس و پوسیده) ذکر می‌کنند، آن هم زمانی که (به سبب وضوح و روشنی، از سوی مردم) پذیرفته شده است، خصومت آنان بیهوده و دلایل و براهین ایشان در پیشگاه پروردگارشان باطل و ناپذیرفتنی است، و خشم شدید (خدا در قیامت) گریبانگیرشان می‌گردد و عذاب سختی خواهند داشت» (خرم دل).

«و آنان که در دین خدا (از حسد و عناد با رسولش) جدل و احتجاج برانگیزند پس از آنکه خلق دعوت او را پذیرفتند حجت آن‌ها نزد خدا لغو و باطل است و بر آن‌ها قهر و غضب و عذاب سخت خواهد بود» (الهی قمشه‌ای).

ترجمه‌های نویری، خسروی، یاسری، نسفی، حجتی، عاملی، طاهری ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه تفسیر مخزن العرفان بر اساس همین معنا و مشابه ترجمه الهی قمشه ای هستند که ترجمه اجابت خلق را بدون استفاده از کمانک در مورد آیه ذکر کرده اند.

باید دقت داشت در تفسیر مخزن العرفان بین دیدگاه مفسر و ترجمه وی هماهنگی نیست. همچنین مترجم تفسیر المیزان آقای محمد باقر موسوی، ترجمه‌ای متفاوت با دیدگاه علامه طباطبایی ارائه داده‌اند.

در بین ترجمه‌های انگلیسی، ترجمه طاهره صفار زاده، بیانگر همین مفهوم است.

And those who dispute about Allah with The believers who have accepted To follow the Divine Path, their Argument is utterly absurd in the Sight Of their Creator; Allah's Wrath will be On them and for them will be a Severe Chastisement.

در این ترجمه همچون بسیاری از ترجمه‌های فارسی، فاعل استجابت مؤمنین هستند «The believers» و ضمیر «ه» به خداوند «the Divine» بر می‌گردد.

بر اساس برخی از ترجمه‌ها مرجع ضمیر «له» دین خدا دانسته شده است. به عنوان مثال به ترجمه ذیل دقت کنید. «و آنان که ستیزه می‌کنند (درباره دین) خدا از پس آن‌که مردم استجابت کردند آن‌را حجت ایشان باطل است نزد پروردگارشان و برایشان خشمی است و ایشان را عذابی سخت است» (ترجمه سراج؛ ر.ک: سید کریمی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۸۱).
ماحصل معنا بر اساس این ترجمه با ترجمه‌هایی که مرجع ضمیر خود خداوند دانسته شود، یکی است. اما با توجه به ذکر «الله» در آیه، ترجمه‌هایی که مرجع ضمیر را خود خداوند دانسته‌اند، موجه ترند.

نظر به این که در بین دیدگاه‌های مختلف تفسیری، «اجابت دعوت خداوند توسط مردم مسلمان» تفسیر قابل پذیرشی است، لذا ترجمه‌های فوق که مبتنی بر این نوع تفسیرند، قابل پذیرشند. با توجه به اهمیت رعایت امانت در ترجمه به ویژه در مورد متن قرآن، شایسته است فعل این عبارت به صورت مجهول ترجمه شود و عبارات توضیحی مترجم متمایز از متن ذکر شود. لذا در بین ترجمه‌های فوق، ترجمه‌های انصاریان و خرم دل که فعل را به صورت مجهول ترجمه نموده و عبارات توضیحی خود را داخل کمانک ذکر کرده‌اند، ترجیح دارند.

۵-۱-۵- اجابت دعوت خدا توسط فطرت و علمای منصف اهل کتاب

به ترجمه ذیل دقت کنید:

«و کسانی که درباره (توحید و ربوبیت) خدا مجاجّه و ستیزه می‌کنند پس از آن‌که دعوت او (از جانب فطرت و عقل سلیم و علمای منصف اهل کتاب) پذیرفته شده، دلیل

آن‌ها در نزد پروردگارشان باطل است، و بر آن‌ها غضبی (از خدا) و برای آن‌ها عذابی سخت خواهد بود» (ترجمه مشکینی).

ترجمه فوق ترکیبی است از دو احتمال تفسیری در مورد فاعل استعجاب:

۱- فطرت منکرین

۲- علمای منصف اهل کتاب

مورد اخیر در احتمالات تفسیری ذیل آیه ذکر نشده است. این تفسیر، اشاره به آیات ۱۰۷-۱۰۹ سوره اسراء دارد که بر اساس آن‌ها گروهی از علمای اهل کتاب با شنیدن آیات قرآن، گریه کنان به سجده می‌افتادند. با توجه به مجهول بودن فعل استعجاب می‌توان از باب تعمیم مصداق، این مورد را نیز فاعل استعجاب دانست. بر اساس این معنا مجادله اهل کتاب در مورد خدا یا دین او بعد از این که علمای منصف خودشان آن را پذیرفته اند، باطل است؛ چرا که حجّت بر آنان تمام شده است. با توجه به این که در ترجمه فوق امانت در ترجمه فعل مجهول رعایت شده است، و عبارت توضیحی در داخل کمانک ذکر شده است، ترجمه مناسبی است.

۵-۲- ترجمه‌های انتقال‌دهنده ابهام موجود در آیه

غیر از ترجمه‌هایی که بر مبنای یکی از احتمالات تفسیری نگاشته شده‌اند، برخی از ترجمه‌های فارسی و عموم ترجمه‌های انگلیسی این آیه، ابهام موجود در آیه را به ترجمه منتقل کرده‌اند. در این ترجمه‌ها تلاشی برای مشخص نمودن فاعل محذوف «استعجب» صورت نگرفته و این عبارت مجهول به همان صورت مجهول و بدون هیچ عبارت توضیحی به زبان فارسی برگردانده شده است. البته مرجع ضمیر «ه» خداوند دانسته شده است.

به ترجمه‌های ذیل دقت کنید:

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... محدثه مقیمی نژاد داورانی

«کسانی که درباره خدا محاجه می کنند پس از آنکه خدا مورد اجابت واقع شده، حجت آن ها پیش خدا باطل است، آن ها راست غضب خدا و عذاب شدید» (ترجمه احسن الحدیث).

«و حجت آنان که درباره خداوند پس از پذیرفته شدن دعوت وی چالش می ورزند نزد پروردگارشان تباه است و بر آنان خشمی (از سوی خداوند) و برای آنان عذابی سخت خواهد بود» (ترجمه گرمارودی).

همچنین ترجمه های مصباح زاده، فارسی، دهلوی، صادقی تهرانی (ترجمان قرآن)، صفی علی شاه، بهرام پور، ترجمه تفسیر بیان السعاده، ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ترجمه تفسیر روان جاوید (ثقفی، ۱۳۹۸، ج: ۴: ۵۷۵) بر همین مبنا نگاشته شده اند.

اکثر ترجمه های انگلیسی نیز، ابهام موجود در آیه را منتقل کرده اند.

Those who argue concerning Allah, after His call has been answered, their argument stands refuted with their Lord, and upon them shall be[His and there is a severe punishment for them. (16) ترجمه قرایی

after His call has been answered ترجمه عبارت « من بعد ما استجیب له » است.

همچنین به عبارات ذیل که ترجمه عبارت ﴿مَنْ بَعْدَ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ است، دقت کنید.

after that obedience has been rendered to Him (ترجمه شاکر)

after He has been accepted (ترجمه یوسف علی)

after that answer has been made to Him (ترجمه آربری)

after He hath been acknowledge (ترجمه پیکتال)

after pledging obedience to Him (ترجمه سرور)

برای قضاوت در مورد ترجمه‌های منتقل کننده ابهام، به دیدگاه یکی از زبان‌شناسان معروف به نام پیتر نیومارک (زبان‌شناس انگلیسی، ۲۰۱۱) اشاره می‌شود. وی ابهام موجود در متن مبدا را به دو دسته ابهام عمدی و سهوی تقسیم می‌کند و معتقد است ابهام عمدی حتی الامکان باید منتقل شود و ابهام غیر عمدی برطرف شود (نیومارک، ۱۳۷۲: ۲۶۹). در مورد دیدگاه او گفته شده است: «گرچه نیومارک صحت ترجمه را در عدم ترجمه ابهام‌های عمدی می‌داند، اما این مسئله زمانی قابل اجراست که بر زیبایی ترجمه افزوده شود» (رحیمی آذین، ۱۳۹۹: ۹۶). از ابهام‌های عمدی و غیرعمدی به عنوان ابهام خودآگاه و ناخودآگاه نیز یاد شده است (جواهری، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

بر اساس این دیدگاه، ابهام‌های عامدانه‌ای که اغراض بلاغی دارند، لازم است به همان شکل مبهم به زبان مقصد منتقل شوند. همان‌طور که گذشت، قرائن نشان می‌دهد فعل این آیه به هدف تعمیم به صورت مجهول ذکر شده است. بر این اساس ترجمه فعل به صورت مجهول راهی برای انتقال این غرض است و لذا ترجمه‌های فوق، ترجمه‌های مناسبی برای این آیه هستند.

نظر به مطالب پیش گفته قرائنی قرآنی و روایی برای شناخت مصادیق فاعل «استجیب» وجود دارد. لذا مشخص نمودن مصادیق با افزودن عبارت توضیحی در داخل کمانک، مناسب‌تر است. با این روش، از سویی امانت در انتقال غرض فعل مجهول - یعنی تعمیم فاعل - حفظ می‌شود و از سویی مصادیقی از فاعل با توجه به قرائن تفسیری روشن می‌شود. البته ذکر این مصادیق به معنای نفی مصادیق احتمالی دیگر نیست.

۵-۳- ترجمه‌های ناصحیح

در ترجمه‌ای از این آیه شریفه آمده است: «آنان که در دین و پیغام خدا محاجّه می‌کنند و حجّت می‌جویند پس از آنکه پاسخ شنیدند، دلیل ایشان نزد خداوند ناپذیر است و نابرجای، و خشم خداوند برایشان است و آنان را عذابی است سخت» (آموزگار، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۸۰). «پس از آنکه پاسخ شنیدند» ترجمه‌ای ناصحیح از عبارت «مَنْ بَعْدَ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ» است.

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ) ... _____ محدثه مقیمی نژاد داورانی

ضمیر «ه» به اشتباه به صورت ضمیر «هم» ترجمه شده است. فاعل استجابت خداوند در نظر گرفته شده و مفعول آن محاجه کنندگان.

در ترجمه دیگر آمده است: «و آنان که ستیزه کنند در باره خدا پس از آنچه پذیرفته شد برای ایشان دستاویزشان تباه است نزد پروردگارشان و بر ایشان است خشمی و ایشان را هست عذابی سخت» (ترجمه معزی). ترجمه فوق نیز همان اشکال را دارد. ترجمه انگلیسی ذیل از عبارت ﴿مَنْ بَعْدَ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ﴾ نیز دقیقاً اشکال دو ترجمه بالا را دارد.

بعد از این که او به آنان پاسخ داده است. After He has responded to them

(انگلیسی - ابروینگ)

۴-۵- ترجمه پیشنهادی

با توجه به مطالب گذشته، ترجمه پیشنهادی مولف به شرح ذیل است: «و کسانی (مشرکین و اهل کتابی) که در مورد خداوند (و دین او) مجادله می کنند بعد از آن که دعوت خداوند (از جانب فطرت، علمای منصف اهل کتاب، مسلمین و ...) مورد اجابت قرار گرفته است، حجتشان نزد پروردگارشان باطل است و خشم و عذاب شدیدی بر آنان است.»

۶- نتیجه گیری

۱- سه احتمال در مورد مصداق الذین در عبارت ﴿الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ﴾ مطرح شده است که عبارتند از: اهل کتاب، مشرکین و مسلمین. در مورد فاعل «استجابت» مصادیق متعددی ذکر شده که عبارتند از: خداوند، فطرت، اهل کتاب و مؤمنین جامعه. در مورد مرجع ضمیر «ه» نیز، خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دین اسلام اقوال گوناگونی هستند که ذکر شده است.

۲- با استفاده از سیاق آیات و در نظر گرفتن سایر آیات قرآن کریم، می توان دانست که مصداق «الذین» مسلمین یا اهل کتاب یا هر دوی این گروه ها هستند و با نظر به سیاق

درونی آیه می‌توان دانست که مرجع ضمیر «ه» خداوند است. با توجه به تعمیم قابل برداشت از فعل مجهول و با در نظر گرفتن سایر آیات و روایات مربوطه، می‌توان مصادیق متعددی برای فاعل استجاب در نظر گرفت که عبارتند از: مسلمین، علمای منصف اهل کتاب و فطرت همه اعم از مسلمین و منکرین. در بین تفاسیر، تفسیر المیزان مناسب‌ترین منبع موجود در انتقال این مفاهیم است.

۳- فاعل استجاب مجهول ذکر شده است تا راه تطبیق آن بر مصادیق مختلف وجود داشته باشد. ترجمه‌هایی که در عین ادای امانت در ترجمه فعل مجهول، مصادیق قابل قبول در مورد فاعل این فعل را در قالب عبارات توضیحی به مطلب افزوده اند، بهترین ترجمه‌های موجودند که عبارتند از ترجمه‌های انصاریان، خرم دل و مشکینی. در درجه بعد ترجمه‌های منتقل کننده ابهام در مورد فاعل فعل مجهول هستند مثل اکثر ترجمه‌های انگلیسی و بسیاری از ترجمه‌های فارسی.

۷- منابع

✽قرآن کریم

- ۱- آبری، آرتور جان؛ *ATHE QURAN* قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، (بی‌تا).
- ۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).
- ۳- آموزگار، حبیب‌الله، *خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی از کشف الاسرار میبادی*، تهران، اقبال، (۱۳۵۲ش).
- ۴- آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن (آیتی)*، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۷۴ش).
- ۵- ابن عاشور، محمدطاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۶- ابوحنان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، به تحقیق جمیل، صدقی محمد، بیروت، دارالفکر، (۱۴۲۰ق).

معناشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... _____ محدثه مقیمی نژاد داورانی

- ۷- احمد نژاد، امیر؛ کلباسی، زهرا، «بررسی تفسیری سیر تعامل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل کتاب در مکه»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۹، صص ۳۸-۱۹، (۱۳۹۶ش).
- ۸- امانی، رضا؛ فرهادی، ام البنین؛ زربخش، لیلا، «تحلیل تصویرآفرینی ساختارهای صرفی افعال در ترجمه‌های قرآن کریم» *پژوهش‌های قرآنی*، سال بیستم، شماره ۱، صص ۷۵-۵۰؛ (۱۳۹۴ش).
- ۹- امین، نصرت بیگم، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، (بی‌جا)، (بی‌تا).
- ۱۰- ایروینگ، تامس بالتین، *ترجمه انگلیسی قرآن کریم*، (بی‌مک) شرکت چاپ و نشر بین الملل، (۱۳۹۰ش).
- ۱۱- بروجردی، محمدابراهیم، *ترجمه قرآن (بروجردی)*، تهران: کتابخانه صدر، (۱۳۶۶ش).
- ۱۲- بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل به تحقیق عبد الرزاق مهذی؛ لبنان: دار إحياء التراث العربي*، (۱۴۲۰ق).
- ۱۳- بلاغی، عبدالحجّة، *حجّة التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، قم، چاپخانه حکمت، (۱۳۸۶ق).
- ۱۴- پیکتال، محمد مارمادوک، *A HOLY QURANTT* (بی‌نا) (۱۹۷۵م).
- ۱۵- تقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران، برهان، (۱۳۹۸ق).
- ۱۶- جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان* (تفسیر گارز) به تصحیح جلال الدین محدث، تهران، دانشگاه تهران، (۱۳۷۸ق).
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله، ۹۴/۰۳/۱۲ سـایـت مدرسه فقاهت، <https://www.eshia.ir/feqh/Archive/qom/tafsir>
- ۱۸- جواهری، محمد حسن، «ابهام شناسی در ترجمه قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵۳، صص ۲۰۱-۱۸۶، (۱۳۸۷ش).
- ۱۹- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی به تحقیق ابی محمد ابن عاشور*، بیروت، دار إحياء التراث العربي، (۱۴۲۲ق).
- ۲۰- دینوری، عبدالله بن محمد، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۴ق).
- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة، (۱۴۱۲ق).

- ۲۲- رحیمی آذین، مرضیه؛ قائمی، مرتضی؛ مسبوق، سید مهدی، «راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام زدایی» واژگانی قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آنها بر اساس الگوی گارسس»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۱۳، ۱۲۸-۸۷ (۱۳۹۹ش).
- ۲۳- زحیلی، وهبة؛ *التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج*، دمشق، دار الفكر، (۱۴۱۱ق).
- ۲۴- زرکشی، بدرالدین، *البرهان في علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۲۰۰۶م).
- ۲۵- زرکوب، منصوره؛ رضایی، سارا؛ «بررسی تطبیقی فعل مجهول در زبان‌های فارسی و عربی از منظر دستوری و معنایی» *فنون ادبی*، شماره ۲، ص ۱۱۲-۹۳، (۱۳۹۱ش).
- ۲۶- سبزواری، محمد، *ارشاد الازدهان الى تفسير القرآن*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، (۱۴۱۹ق).
- ۲۷- سراج، رضا، *ترجمه قرآن (سراج)*، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).
- ۲۸- سرور، محمده؛ *ترجمه انگلیسی قرآن*، الم هورست، (۱۹۸۱م).
- ۲۹- سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسير السمرقندی المسمى بحر العلوم*، لبنان: دار الفكر، (۱۴۱۶ق).
- ۳۰- سیدکریمی حسینی، عباس، *تفسير عليين*، قم: اسوه، (۱۳۸۲ش).
- ۳۱- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *الدر المثور في التفسير بالماثور*، قم، (۱۴۰۴ق).
- ۳۲- شاکر، محمد حمید، *ترجمه انگلیسی قرآن*، نیویورک، (۱۹۸۲م).
- ۳۳- شاکر، محمد کاظم، *مبانی و روش های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، (۱۳۸۲ش).
- ۳۴- صفارزاده، طاهره، *ترجمه انگلیسی قرآن*، تهران: پارس کتاب، (۱۳۸۴ش).
- ۳۵- صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
- ۳۶- صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر، *تفسير قرآن صفی علی شاه*، تهران: منوچهری، (۱۳۷۸ش).
- ۳۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم (الطبرانی)*، اردن - اربد: دار الكتاب الثقافي، (۲۰۰۸م).
- ۳۸- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، به تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).

معاشناسی عبارت (وَالَّذِينَ يَخُفُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ) ... _____ محدثه مقیمی نژاد داورانی

۳۹- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة، (۱۴۱۲ق).

۴۰- عک، خالد عبدالرحمن. اصول التفسیر و قواعدہ. بیروت: دارالفائس، (۱۴۰۶ق).

۴۱- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة، (۱۴۰۰ق).

۴۲- فولادوند، محمد مهدی؛ ترجمه قرآن، تهران: (بی نا)، (۱۴۱۸ق).

۴۳- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: موسسه دار الهجرة، (۱۴۱۴ق).

۴۴- قرایی، سید علیقلی، ترجمه قرآن، قم: بی نا، (۲۰۰۵م).

۴۵- قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحديث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، (۱۳۷۵ش).

۴۶- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۶۴ش).

۴۷- قطب، سید، فی ظلال القرآن، لبنان: دار الشروق، (۱۴۲۵ق).

۴۸- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب به تحقیق حسین درگامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).

۴۹- کاشانی، فتح الله، زیادة التفاسیر، قم: بنیاد معارف اسلامی، (۱۴۲۳ق).

۵۰- کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۱۴ش).

۵۱- کاویان پور، احمد، ترجمه قرآن (کاویانپور)، تهران: اقبال، (۱۳۷۲ش).

۵۲- ماتریدی، محمد بن محمد: تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت، دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۶ق).

۵۳- ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیر الماوردی به تعلیق عبدالرحیم سید بن عبدالمقصود، بیروت، دار الکتب العلمیة، (بی تا).

۵۴- مجتبوی، جلال الدین، ترجمه قرآن مجتبوی، تهران: حکمت، (۱۳۷۱ش).

۵۵- محمد عبدالفتاح «الفعل المبني للمجهول فی اللغة العربية (اهمیتہ- مصطلحاتہ- اغراضہ)»، مجلة جامعة دمشق، ج ۲۲، شماره ۲-۱، (۲۰۰۶م).

- ۵۶- مدنی، علیخان بن احمد، الطراز الاول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، (۱۳۲۰ق).
- ۵۷- معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن (معزی)، قم، اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۵۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).
- ۵۹- موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قرآن (گرمارودی)، تهران: قدیانی، (۱۳۸۴ش).
- ۶۰- نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن (نحاس)، بیروت، دار الکتب العلمیه، (۱۴۲۱ق).
- ۶۱- نکونام، جعفر، در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران: نشر هستی نما، (۱۳۸۰ش).
- ۶۲- نیومارک، پیتر، دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، تهران: رهنما، (۱۳۷۲ش).
- ۶۳- یوسف علی، عبدالله؛ ترجمه معانی القرآن الکریم بالانجلیزیه، مدینه: دارالقرآن رسمی عربستان، (۱۹۹۱م).